

## پیش برندها و بازدارندهای دانشگاه ایرانی در دوره معاصر\*

عزیزاله احمدی<sup>۱</sup>  
سید منصور مرعشی<sup>۲</sup>  
مسعود صفائی مقدم<sup>۳</sup>  
یدالله مهرعلیزاده<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

### چکیده

هدف: شناسایی پیش برندها و بازدارندهای دانشگاه ایرانی و شناخت علل ساختاری و بافتاری در تحقق یا عدم تحقق آن در ادوار تاریخی قاجار، پهلوی (اول و دوم) و انقلاب اسلامی است. روش شناسی: این پژوهش از نظر سنت پژوهشی، کیفی و از نظرگاه هدف، کاربردی و از جنبه ماهیت، (کتابخانه‌ای) استنادی مبتنی بر مطالعات تاریخی است. یافته‌ها: نتایج نشان داد مهم‌ترین پیش برندها و بازدارندها در دوره قاجار: حضور استادان خارجی، مواجهه با ملل اروپایی، انتشار روزنامه‌ها، ترجمه متون علمی-ادبی (پیش برنده) و درباری بودن، فن‌گرایی و تک نهادی بودن (بازدارنده) در دوره پهلوی اول: رویکرد نخبه‌گرا، اعزام دانشجو به خارج (پیش برنده) و بی‌توجهی به خلق خرد در اجتماع علمی، چیرگی نظرگاه پوزیتیویستی، امکانات ناکافی برای تکاپوهای دانشی (بازدارنده) در پهلوی دوم: تبادل دانش با دانشگاه‌های داخل و خارج، کوشش در دانشگاه سازی (پیش برنده) و ناهمانگی گسترش کمی-کیفی، غلبه الگوی ناپاشونی بر ساختار دانشگاه (بازدارنده). انقلاب اسلامی: مشارکت در رتبه‌بندی‌های داخلی و بین‌المللی، حضور گسترده زنان، بین‌المللی سازی، آگاهی موشکافانه از سیر تاریخی و سابقه غنی دانش (پیش برنده) و توسعه یافته‌گی سنتی، مقاله گرایی و توده‌ای شدن (بازدارنده) بوده است.

نتیجه‌گیری: ایده دانشگاه ایرانی با تغییر در قواعد، الگوها، ساختارها و هنجارهای موجود دانش، می‌تواند دانشگاه و عمل دانشگاهی را با سرمشوهای نوین دانشگاه مدار، سازگار کند. به‌گونه‌ای که علاوه بر همسویی با ضرورت‌های جامعه‌ی دانش‌محور، نقش رهابی بخشی را با هویتی نو به تجلی برساند. الزامات تحقق این ایده به شناخت دقیق پیش برندها و بازدارنده‌هایی وابسته است که بتوان پس از با تبیین‌های مستدل تاریخی-علمی، ضرورت برساخت آن را در ایران معاصر محقق کرد.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه، بازدارندها، پیش برندها، دانشگاه ایرانی

\*مقاله‌حاضر برگرفته از رساله دکتری (تاریخ تصویب پروپوزال ۱۳۹۹/۳/۳۰) نویسنده اول مقاله در رشته فلسفه تعلیم و تربیت با عنوان "پیش برندها و بازدارندهای دانشگاه ایرانی در دوره معاصر" با استاد راهنمایی دکتر سیدمنصور مرعشی و دکتر مسعود صفائی مقدم و نیز استاد مشاور دکتر یدالله مهرعلیزاده در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز است.

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران mahdiahmadi35@yahoo.com

<sup>۲</sup>. دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) marashi\_s@scu.ac.ir

<sup>۳</sup> - استاد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران safaei-m@scu.ac.ir

<sup>۴</sup> . استاد مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران mehralizadeh\_y@scu.ac.ir

## مقدمه

امروزه یکی از سؤالات بنیادین پیرامون دانشگاه این است که چرا دانشگاه‌های معاصر با وجود تمام رسالت‌ها، داشته‌ها، آموخته‌ها و حتی مؤسسات و دانشکده‌های مختلف در پایه گذاری دانشگاه ایرانی و معماری مدیریت آن به شکلی فرآیندی موفق نبوده‌اند؟ چرا کمتر نوشتاری از آن‌ها- به‌ویژه در علوم انسانی- به متن درسی دانشگاه‌های مهم دنیا بدل نمی‌شود؟ چرا بیشتر پشتکارهای علمی دانشگاه‌ها با گردانش هزینه‌های عظیم، اغلب صرف دستمایه دانش دیگران یا التقاط آثار آنان می‌شود ولی خود چندان در خلق دانش‌های ناب کامیاب نمی‌شوند؟ آیا می‌توان بار کلان این مسئله را با بی‌توجهی به معنای حقیقی دانشگاه و ناتوانی در آفرینش دانشگاه ایرانی وابسته دانست؟ اگر پاسخ مثبت است، دانشگاه‌ها، کی، چگونه و با کدام رویه‌ها می‌توانند با نماد ایرانیت، افرون بر گره‌گشایی از کارهای خود، خاستگاهی برای نظام تصمیم گیر و خطنگهدار سیاست‌های خرد و کلان جامعه و نیز در تعییری فوکویی با بریایی مجموعه روابطی، وحدت‌بخش کنش‌های گفتمانی و تولیدکننده ارزش‌افزوده یا دانش جهانی شوند؟ پاسخ به این سؤالات در نگاهی "دریدایی"<sup>۱</sup>(۲۰۰۴)، پرسش از حقیقت و دلیل بودن دانشگاه و نیز شناخت پیش برنده‌ها و بازدارنده‌های دانشگاه ایرانی است. الگویی که دانشگاه‌ها به‌واسطه آن می‌توانند به خودآگاهی برسند و درنتیجه در فرآیندی آزاد با بینش دانشگاهی و نظم و خرد و آگاهی و نیز مداومت در نگاه‌های نقادانه خود به دانش و دستمایه‌های علم بشری، به ثبت پیشگامی در دانش دست یابند.

## پیشینه پژوهش

کشاورزی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش "الگوی بهره‌گیری از عوامل پیش برنده و بازدارنده‌ها در شکل‌گیری دانشگاه کارآفرین" با روش توصیفی-پیمایشی، بالاترین اولویت در بین عوامل پیش برنده را به نگرش افراد نسبت به کارآفرینی و ساختار سازمانی و عامل بازدارنده را وابسته به حاکمیت دانشگاه‌ها دانسته‌اند. رشیدی (۱۳۹۹) در پژوهش "تأملی بر سیاست کوچکسازی دانشگاه‌ها؛ راهبردی پیش برنده یا بازدارنده"<sup>۲</sup> با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع تحلیل تماییک (موضوعی)، نتیجه گرفته است که استراتژی کوچکسازی در دانشگاه‌ها بیش از آن‌که برآمده از نگاه درون دانشگاه باشد، بیشتر مبتنی بر فشارهای بیرونی دانشگاه به‌قصد تأمین اهداف اقتصادی و کاهش هزینه‌ها و تولید انبوه بوده است. جعفری و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی "شناخت عوامل پیش برنده و بازدارنده‌ی بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها"، با استفاده از روش تحلیل محتوا و مصاحبه نیمه ساختاریافته با صاحب‌نظران و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های تهران، مهم‌ترین علل پیش برنده در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها را وابسته به سیاست‌گذاری، برقراری ارتباط، تأمین بودجه، توانمندسازی نیروی انسانی، آزادی و استقلال دانشگاهی دانسته‌اند و در مقابل، تأثیرگذارترین عوامل بازدارنده را عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و نیز علمی-آموزشی و سازمانی قلمداد کرده‌اند.

در بحث پیشینه خارجی-به‌طور غیرمستقیم، خاکی و الطاف بهات<sup>۳</sup>(۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان "پیشگامان آموزش پهلوی در ایران: مطالعه پهلوی اول"، اشاره کرده‌اند در دوره پهلوی [اول] سیستم آموزشی ایران به صورت مرکز و مقدترانه تثبیت شده بود و دانشجویانی که در خارج از کشور تحصیل می‌کردند پس از بازگشت در مناصب ارشد استخدام می‌شدند. کانگ و لیو<sup>۴</sup>(۲۰۲۱) در تحقیقی تحت عنوان "آیا ادغام دانشگاه‌ها سبب پیش برنده‌گی و ارتقا عملکرد علمی آن‌ها می‌شود؟" با روش "شبه آزمایشی" در دانشکده‌ها و دانشگاه‌های چینی که در دهه ۲۰۱۳ تا ۱۹۹۰ یکپارچه شده بودند به تأثیر این ادغام بر عملکرد تحقیقات علمی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که ادغام دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها به دلیل مداخلات بیش از حد دولت و مشکلات فرهنگی، تأثیر منفی قابل توجهی بر عملکرد و عدم پیش برنده‌گی و ارتقا سطح تحقیقات علمی داشته است. مکدونالد و همکاران<sup>۵</sup>(۲۰۲۲) در پژوهشی به نام "گسترش دانشگاه: تغییر معرفتی به سمت رابطه، با تأملی انتقادی به رویکردهای علمی نسبت به تولید و انتشار دانش در دانشگاه‌ها"، پس از بحث پیرامون مسائل مربوط به مالکیت دانش و

<sup>1</sup>-Jacques Derrida

<sup>2</sup>-Khaki and Bhat,

<sup>3</sup>-Kang and Liu

<sup>4</sup>-Marianne McDonald'

جالش‌های معرفت‌شناسختی و روش‌شناسختی نتیجه گرفته‌اند که دانشگاه در تغییری پارادایمی باید به‌طور فعال، دانش‌های یومی را در چارچوبی آکادمیک به‌مثابه مکملی در کنار سایر معرفت‌ها ترویج نماید. گانی و مارشال<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) نیز در تحقیقی با عنوان "تأثیر استعمار بر سیاست‌گذاری و تولید دانش" با طرح این سؤال که آیا بین دانشگاه و سیاست، شکاف وجود دارد؟ و آیا این شکاف (در روابط بین‌الملل) باید پر شود؟ به نقش دانشگاه در تأمین دانش برای سیاست‌های استعماری و دخالت سیاست‌گذران بر شکل‌دهی به تولیدات دانشگاهی اشاره کرده‌اند. در هر حال، بررسی پیشینه‌ها نشان می‌دهد چالش‌های بیرونی و کاستی‌های درونی دانشگاه‌ها در کنار انتظاراتی که جامعه از این نهاد دانشوارانه دارد سبب شده تا بیشتر پژوهشگران نگرورزی‌های خود را به مواردی مانند نقش در جهت دهنگی به جامعه، نقد ماهیت دانش، تحت سلطه بودن دانش در چرخه‌ای معیوب و غیره معطوف کنند. درحالی که به‌پیش برنده‌ها و بازدارنده‌های<sup>۲</sup> دانشگاه ایرانی به‌مثابه نماد پیشگامی در دانش - در ادوار تاریخی قاجار، پهلوی (اول-دوم) و انقلاب اسلامی التفاوتی نشان نداده‌اند و این خود دلیلی موجه برای انجام این پژوهش است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی استنادی (کتابخانه‌ای) در بررسی و تحقیق تاریخی مبتنی بر استفاده از اسناد و مدارک است. پژوهش استنادی (کتابخانه‌ای) هنگامی کاربرد دارد که یا تحقیقی تاریخی در دست انجام باشد یا آن که تحقیق، مرتبط با پدیده‌های موجود بوده و محقق در صدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد. (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۵۶). "در این روش، بررسی‌ها شامل مطالعات اولیه (یافتن منابع اصلی و عملده) و مشورت با متخصصان است و پس از آن آشنایی با ادبیات و واژگان تخصصی موضوع، ترسیم کلی حوزه‌های مطالعاتی و دامنه آن‌ها، جهت دادن به مسیر پژوهش و یافتن پایگاه‌های علمی یا مراکزی است که باید برای کسب داده‌ها به آن‌ها رجوع کرد. در پژوهش استنادی محل دسترسی به داده‌ها و اطلاعات شامل کتابخانه‌ها، مراکر و سازمان‌های پژوهشی، پایگاه‌های داده‌های علمی (مانند ابסקو، نورمگز، مگ ایران، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پرتال جامع علوم انسانی) سایت‌های مرتبط با انتشارات آثار پژوهشی (مانند جهاد دانشگاهی، انتشارات پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها، انتشارات معتبر مانند سیج یا آکسفورد) و نیز آرشیوهای الکترونیکی مجلات و روزنامه‌ها است" (صادقی فساوی، ۱۳۹۴: ۷۲). پس در این پژوهش تلاش شده است تا با جستجو در مأخذ و منابع دست اول و دست دوم و نیز کتاب‌ها، رساله‌ها، مقالات علمی و پایان‌نامه‌های مرتبط با آموزش عالی، دستاوردهای تاریخی - تحقیقی پژوهشگران در چهار دوره قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم و انقلاب اسلامی، بررسی شود تا ضمن ثبت و ضبط نکات کلیدی همسو با پژوهش در فیش‌های خاص (با ذکر منبع) و نیز تفسیر و تحلیل آن‌ها، مهم‌ترین پیش برنده‌ها و بازدارنده‌های پی ریزی دانشگاه ایرانی استخراج گردد.

### یافته‌ها

#### آموزش عالی در دوره قاجار (پیش برنده و بازدارنده‌ها)

دوره قاجار را می‌توان دوره آماده‌سازی و رشد در آموزش عالی و سایر نهادهای نوین آموزشی به شمار آورد؛ زیرا آشنایی خواصِ دوره قاجار با پیشرفت‌های علمی-صنعتی غرب، علاوه زمینه‌سازی برای نوادرانشی، سبب شد تا جامعه بتواند برای تحول به‌قصد رشد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از علم سنتی و آموزش‌های مکتب‌خانه‌ای به سمت نهادهای نوین و منسجم و کارا، گذر نماید؛ بنابراین نیمه آغازین سده ۱۸ را می‌توان هنگامه‌ی گران‌مایه‌ی دگرگونی‌ها در دوره قاجار تلقی کرد که نمود آن در اقتباس آموزش‌پیورش نوین و تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ (ه.ش) بود. به بیان بهتر با نزدیک شدن به عصر مشهور به دوره‌ی "امیرکبیر"، دولت با در پیش گرفتن الگوی امارت داری کمایش اقتدارگرایانه، افرون بر بنیاد نهادن پایه پیشرفت و نوسازی کشور بر پدیدآوری مدرسه و آموزش عالی، توانست با انجام

<sup>1</sup>-Gani and Marshall

<sup>2</sup> مقصود از پیش برنده‌ها عواملی هستند که دانشگاه را در استوارسازی و نیرودهی در تحقق دانشگاه ایرانی در دانش‌باری و همراهی می‌کنند و مراد از بازدارنده‌ها، عوامل ناهمسوی هستند که در شکل گیری دانشگاه ایرانی، نقش بازدارنده‌گی ایفا می‌کنند.

اصلاحات به درخواست‌های نوین اجتماعی پاسخ بگوید. (زرگ نژاد، ۱۳۹۸: ۳۲) در این دوره، امیرکبیر توانست اندیشه‌های ترقی خواهانه خود را چنان تثبیت کند که در سه پهنه مهم یعنی اصلاحات سیاسی و مبارزه با فساد، پاسداری از هویت ملی و استقلال کشور و درنهايت نوآوری در راه نشر دانش و صنعت جدید دست به اصلاحات بنیادین بزند. با وجود این، همان‌گونه که اشاره رفت، سرآمد اصلاحات امیرکبیر را می‌توان تأسیس دارالفنون دانست که سبب شد مقدمات نظام دانشگاهی نوین در ایران پایه‌گذاری شود (خلخالی و تقديرى، ۱۳۹۱: ۴۸۱). پيرامون چرايى اين بنيان‌گذاري، دست‌کم سه ديدگاه وجود دارد. يكى، زدایش مشکلات دولت. دوم، آوردن علوم غيرمتداول به کشور (منصورى، ۱۳۷۸: ۱۳۶) و سوم، رفع نيازهای جامعه. به همین دليل، شيانان‌ترین کارا شدگى و سودبخشى دارالفنون بر اندیشه و فرهنگ و اجتماع آن زمانه را می‌توان در نكته‌های زير فشرده کرد:

- ۱- بكار گماشتن آموزنده‌گان اروپايى بهويژه در رشته‌های آموزشى موردنیاز
- ۲- نشر اصول علمی جدید و به كارگيرى روش‌های نوین
- ۳- شناساندن تمدن و فرهنگ جدید غرب به ايران
- ۴- تأليف و ترجمه كتاب‌های علمی تازه
- ۵- اشاعه دانش و علوم نو و ايجاد آگاهى از پيشرفت‌های علمی‌فني جهان در بين طبقات اجتماع.
- ۶- هدایت برخی تحولات فرهنگی-تربیتی و پیدایش مدارس ابتدایی و متوسطه با برنامه‌های آموزشی جدید به اقتباس از اروپا (سرکار آراني، ۱۳۸۲: ۱۹۷-۱۸۴).

#### پيش برندها

دست‌کم چهار عامل پيش برنده‌ی درون و برون‌سازمانی زير را می‌توان برای پيشگامی دارالفنون در تحقق دانشگاه ايراني برشمرد.

#### حضور استادان خارجی

در آن زمان تعدادی معلم اتریشی، در زمينه کارهای نظامی، فيزيك، شيمى، داروسازى و معدن به آموزش محصلين دارالفنون می‌پرداختند که عبارت بودند از:

- آلفرد بارون دی گومنس<sup>۱</sup> (معلم پياده‌نظم)
- يوهان فان نميرو<sup>۲</sup> (معلم سواره‌نظم)
- زاتى<sup>۳</sup> (معلم رياضيات و هندسه)
- چوزف چارنوتا<sup>۴</sup> (معلم معدن شناسى)
- آگوست كرزيس<sup>۵</sup> (معلم توپخانه)
- ياکوب ادوارد پولاک<sup>۶</sup> (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۹۸-۲۹۹) افزاون بر اين، مدرسين و مربيان اهل چك، ايتاليا، سوئيس و نيز موسيو ريشارد<sup>۷</sup> فرانسوی و ميرزاملکم خان نيز برای تدریس در رشته‌های زبان فرانسه و جغرافيا در دارالفنون استخدام شدند. اين استادان که اغلب جزو اندیشمندان و دانشمندان بودند علاوه بر وظایف تدریس و تأليف كتاب‌های درسی با احاطه بر استراتژي توسعه صنعتی اروپا و شناخت علم و روش توسعه آن، توانستند با کمک استادان علم جوى ايراني، دانش اروپايى را برای توسعه اجتماع بكار گيرند و دارالفنون را به مرکزى برای انتقال دانش و فناوري و به نوعى پيش برنندگى در دانش بدل کنند.

<sup>1</sup>-Cumoans

<sup>2</sup>-Nemiro

<sup>3</sup>-Zatti

<sup>4</sup>-Charnota

<sup>5</sup>-Krziz

<sup>6</sup>-Polak

<sup>7</sup>-Richard

## مواجهه با ملل اروپایی

خسارت های ناشی از رویارویی با ملل اروپایی بهویژه روسیه-انگلستان در زمان قاجار سبب شد تا دولتمردان، حل ریشه‌ای عقب‌ماندگی‌های کشور در ابعاد مختلف علمی، فنی، صنعتی را در کسب دانش‌های نوپدید بجوینند. تحقق این چاره‌جوبی از دو شیوه اعزام محصلان به خارج برای کسب علوم و استخدام مشاوران برای تعلیم و تربیت در رشته‌ها و فنون علمی جدید (ذرنوختی، ۱۳۸۱: ۱۳۲) حاصل شد که همین دو نیز آغازگر و محرك دارالفنون برای پیشروی در دانش و زمینه سازی برای هستی پذیری دانشگاه ایرانی گردید.

### انتشار روزنامه‌ها

در روزگار قاجار، روزنامه‌ها بهره بسزایی در بیداری اجتماعی و گسترش مدارس نوین داشتند؛ یعنی از همان سال آغاز (۱۲۵۳ق) که نخستین روزنامه را میرزا صالح شیرازی در ایران انتشار داد، بیشتر روزنامه‌نگاران برای آگاه‌سازی و گسترش اندیشه و فرهنگ نو در مردم پیوسته تلاش می‌کردند. شگفت این‌که بسیاری از این روزنامه‌ها در مدارسی چاپ و توزیع می‌شد که نویسنده‌گان یا مدیران و صاحبان جراید، خود مدیر یا معلم و یا ناظم مدرسه بودند. برای نمونه، درباره روزنامه حبل المتنین چنین نقل شده است که این روزنامه یکی از پایه‌های کاخ مشروطیت و عامل مؤثر در پیدایش نهضت آزادی‌طلبی در ایران بود که در تشویق مردم به فرهنگ و تأسیس مدارس جدید تلاش بسیار بکار برد؛ بنابراین از روزنامه‌های عهد قاجار بهمثابه زمینه‌ساز و پیش‌درآمد ساخت دارالفنون می‌توان یاد کرد که در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به روشنگری می‌پرداختند و از دستاوردهای کشورهای پیشرفته شاهد می‌آوردن (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۱۰۹). از این رو می‌توان آن‌ها را به طور مستقیم در آگاهی و بیداری اندیشه جامعه و به طور غیرمستقیم در کسب و نشر علوم نو و پیش‌برندگی در دانش و شالوده گذاری دانشگاه ایرانی تأثیرگذار تلقی کرد.

### ترجمه متون علمی-ادبی

پانهادگی ایران قاجار در رویدادهای منطقه‌ای سجهانی به علاوه گسترش روابط خارجی، اذهان را به سوی دگرگونی در ابعاد سیاسی-اجتماعی و علمی-فرهنگی سوق داد. پیامد چنین ورودی هم در ترجمه متون ادبی-فلسفی اروپایی و هم در کاستن و اپس رؤی‌های اجتماعی بسیار اثر گذاشت (هاشمیان، ۱۳۷۹: ۹) به طوری که تقویت و آسانکردن زمینه‌ها برای ایجاد صنعت چاپ، نمونه‌ای از آن بود. این صنعت، نقش مؤثری در چاپ کتب ترجمه‌ای بهویژه نظامی و تاریخی ایفا کرد (حسین طلایی و تحقیقیان رضوی، ۱۳۹۰: ۶) تا این‌که برخی از ایرانیان ضمن مسافرت به اروپا با زبان‌های خارجی آشنا شدند و خود مستقلانه کتب خارجی را ترجمه کردند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۱۳۵). در سایه‌ی چنین کوشش‌هایی بود که دارالفنون ایجاد شد و امیرکبیر توانست با دستور خرید کتب تاریخی از فرانسه، انگلیس، روسیه و ترجمه آن‌ها ضمن گشايش دارالترجمه‌ها و رونق بازار نشر، از آن‌ها به عنوان عاملی هموار کننده در پیش‌برندگی و پیشگامی به قصد شکل پذیری دانشگاه ایرانی یاد کرد.

### بازدارنده‌ها

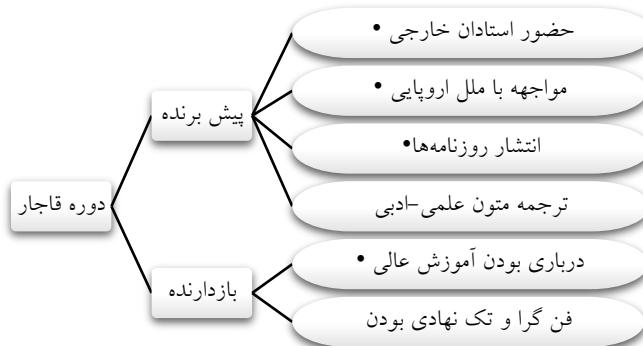
### درباری بودن آموزش عالی

اگرچه دارالفنون با ایمن‌سازی بنیاد دانش در جامعه، نقطه عطفی در تاریخ نظام آموزش ایران به شمار می‌رود (آقازاده، ۱۳۸۶: ۴۵) ولی در آن فقط دانش‌آموزانی ۱۴ تا ۱۶ ساله رواید حضور برای یادگیری علوم را داشتند که اغلب وابسته به خانواده‌های بزرگان، اشراف و درباریان بودند (فلاحی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۵۴)؛ بنابراین رویکرد دولتمردان قاجار به کسب و نشر دانش جدید، اغلب "دربار گرایانه" بود و دارالفنون به دلیل این ضعف نتواست در رویکردی انسان‌گرا با روان‌مندسازی عدالت و فرصت یادگیری برای همه، خود را به زیستگاهی پسندیده براي نوسازی و پیشگامی در تحقق دانشگاه ایرانی و دانش‌های نو با مشارکت دوستداران علم، بدل کند.

### فن گرا و تک نهادی بودن

دارالفنون که نخستین گام فرهنگی دولت قاجار برای تأسیس مدرسه‌ای به قصد تعلیم و تربیت متخصصان بود، گرچه توانست در اشاعه علوم جدید بدون زمینه‌ی منسجم، دگرگونی در نگرش‌های فرهنگی، طرح بحث سنت و تجدد و شکل‌گیری قشر تحصیل‌کرده و غیره کارساز واقع شود (مدهوشی و نیازی، ۱۳۸۹: ۱۲۰) ولی با نادیده گرفتن ایجادگری و سرریزی دانش، خود را در پنهانی بسته فن گرایی محصور کرد تا در

عمل پردازش و پراکنش دانش تقریباً ناکارآمد جلوه نماید. این فن گرایی در نقشی بازدارنده سبب شد تا دانشآموختگان با سرگرمی در سطح فناوری چندان نتوانند پیچیدگی‌های خلق علم و "تصویر بزرگ" دانش یا چشم‌اندازهای آن را دریابند و ارزش‌افزوده‌ای چشمگیر به مجموعه علوم بیفزایند.



شکل ۱-پیش برنده‌ها و بازدارنده‌های دانشگاه ایرانی (دوره قاجار)

به طور کلی، در نگاهی تحلیلی به این دوره می‌توان نتیجه گرفت که دارالفنون به عنوان محصول گفتمان نظری و کارکردی امیرکبیر، بزرگترین کار ویژه حکمرانی قاجاریه بود که آغازگر پایه‌گذاری نظام آموزشی و دانشگاهی نوین در ایران شد. با وجود این، از نظر سبک مدیریت از دو ضعف عیان در رنج بود. یکی داشتن شاکله‌ای آموزشگاهی (نه دانشگاهی) و دیگری در اولویت قرار دادن ترجمه و چیرگی تکنیکی و مهارت آموزی به ضرر تشکیل دانشگاه ایرانی. شاید به همین علت دارالفنون به عنوان نماد نوین آموزش عالی در دوره قاجار عملاً نتوانست از منظرگاه نظریه‌سازی، پژوهشگری و نیز رویکردهای علمی که لازمه پیشگامی و بارآوری دانش‌های نو است، جایگاه و پایگاهی پستدیده در عصر خود کسب کند.

#### دانشگاه در دوره پهلوی اول، پیش برنده‌ها و بازدارنده‌ها

دوره پهلوی اول، دوره‌ی دیگری از نوسازی اجتماعی و نیازمندی جامعه به نیروی انسانی آموزش‌دیده بود. از این‌رو، چون این نیاز در گام نخست "به ابتکار دولت و به وسیله نظام اداری آن صورت می‌گرفت [بنابراین] آموزش عالی بیش از آموزش‌های زیرین‌بایی دیگر، مورد توجه قرار گرفت". (تهرانیان، ۱۳۵۷: ۵۵). در هرحال، با تاج‌گذاری رضا پهلوی در سال ۱۳۰۴ اصلاحاتی در زمینه‌های مختلف آغاز شد که این اصلاحات اگرچه فاقد قاعده‌مندی برای مدرنیزاسیون بود ولی سبب شد تا سیاست‌گذاری‌های دانش محور در این دوره همانند زمان قاجار - البته نه به شکلی فرایندی و مدون - به صورت واردات تجهیزات صنعتی پیگیری شود. (منتظر و کلاتری، ۱۳۹۸: ۱۵۴) با وجود این، رضا پهلوی توانست بخش بزرگی از آرزوهای بی‌سرانجام رفرمیست‌هایی مانند عباس میرزا، امیرکبیر، ملکم خان و آزادیخواهان مشروطه را سروسامان دهد که تجای آن بازسازی جامعه مطابق تصویر غرب، دنیاگرایی، ناسیونالیسم، توسعه آموزش و سرمایه‌داری دولتی بود. از منظر تأثیر زمینه‌ساز برای رونق آموزش عالی می‌توان گفت پهلوی اول با پیاده‌سازی سیاست‌های نوسازانه توانست زمینه را برای تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ مهیا کند. از نقاط قوت این تأسیس می‌توان به آموزش به عنوان محلی برای پژوهش، پیش‌بینی منابع مالی متعدد، اعتبار و اختیارات آکادمیک شورای دانشگاه، تکرقمی بودن شاخص تعداد دانشجو به استاد، امکان جذب استادان خارجی و در مقابل به ضعف‌هایی مانند پایین بودن نسبت دانشجویان به کل جمعیت، نارسایی‌های برنامه‌ریزی آموزشی و رابطه آن با نیازها و اولویت‌های جامعه اشاره کرد. (فراستخواه، ۱۳۸۸).

## پیش برنده ها

### رویکرد نخبه گرا

دو نگرش نهادهای و سیاست‌گذاری دو رویکرد اصلی به منابع مالی در آموزش عالی است. در نگاه نهادهای، دانشگاه با به خدمت گرفتن نخبگان علمی و توسعه فضای آموزشی و تجهیزات، راه را برای علم جویی فراهم می‌سازد و در رویکرد سیاست‌گذاری، با مدیریت تخصیص‌های مالی، امور وابسته به آموزش، پژوهش و تربیت نیروی انسانی، راهبری می‌کند. با این اشاره، در دوره پهلوی اول متناسب با وضع اقتصادی-مالی کشور، از نظر سطح تدارک خدمات آموزش (کفایت) و توزیع عادلانه منابع آموزشی (کارایی)، دانشگاه دارای کارایی درونی و بیرونی نسبتاً مطلوبی بود؛ زیرا دولت هم سهم قابل توجهی از درآمدها را به آموزش، توسعه دانش و نوآوری‌های علمی اختصاص داده بود و هم با رویکردی نخبه‌گرا، جذب دانشجو را در پیش گرفته بود. (نادری و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۲). صرف‌نظر از پیامدهای مثبت-منفی چنین رویکردی، اتخاذ این سیاست در زمانه‌ای که اغلب افراد جامعه از سواد علمی برخوردار نبودند، می‌تواند در راستای پیش برنده‌گی در دانش و بر ساخت دانشگاه ایرانی تلقی شود.

### اعزام دانشجو به خارج

در ایران از اوایل قرن ۱۹ به فرستادن دانشجو برای ادامه تحصیل به خارج اقدام شد و این کار تا شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) به تناوب ادامه داشت. پس از پایان جنگ و نیازمندی جامعه به افراد آموزش‌دیده، دولت وقت ناچار شد تا به فکر ازسرگیری اعزام دانشجو به خارج برای فرآگیری علوم تخصصی بیفت. این روند تا کودتای رضا پهلوی و روی کار آمدن وی ادامه داشت. به طوری که پس از اعزام اولین گروه ۶۰ نفری به دانشکده‌های نظامی فرانسه، امریکا نیز جزو اولین کشورهایی بود که دانشجویان بورسیه ایرانی را پذیرفت. برنامه‌ی اعزام دانشجو تا سال ۱۳۰۷ با ایجاد بورس کامل دولتی ادامه داشت تا این‌که در مجلس لایحه‌ای به تصویب رسید که هرساله صد دانشجو به اروپا اعزام می‌شد (نوایی و ملک‌زاده، ۱۴-۲۰۰۳). با توجه به این‌که بیشتر این دانشجویان به محض بازگشت به کشور در مشاغل اداری، سیاسی و نیز روزنامه‌نگاری یا تدریس در دانشگاه مشغول می‌شدند، می‌توان از آن به عنوان تسهیلگر شکل گیری دانشگاه ایرانی یاد کرد.

### بازدارنده‌ها

### بی‌توجهی به خلق خرد در اجتماع علمی

اگرچه کارکردهای اصلی دانشگاه را تربیت استعداد<sup>۱</sup>، تحقیقات علمی<sup>۲</sup>، خدمات اجتماعی<sup>۳</sup> و میراث فرهنگی<sup>۴</sup> دانسته‌اند. (ژو، ۲۰۱۷: ۶۳) ولی دانشگاه، بخش جدایی‌ناپذیر از نظام نوآوری جامعه به نفع ایجاد منابع دانش‌های نو است. این در حالی است که فلسفه ایجاد دانشگاه در دوره پهلوی اول از همان پایه نخست، برآوردن نیاز دستگاه‌های دولتی بود. در حقیقت، دانشگاه محصول نگاهی مغایر با خلق خرد در فضای علم یا همان ابتناء بر اجتماع علمی<sup>۵</sup> و زنجیره مناسک تعامل علمی بود. مناسکی که فعالان فضای علم با ارزشی عاطفی بالا، در حلقه‌های فکری، درگیر مباحث نظری می‌شوند که نتیجه‌اش رشد و پویایی علم در آن حلقه‌ها به مثابه اجتماعات علمی است (عبداللهی چندانق و خستو، ۱۳۹۱: ۲۶) همان اجتماعات علمی که تقلیل‌های عمده‌اش برای تولید دانش، بر افزایش شفافیت، تکرارپذیری، توسعه و فرهنگ، متمرکز است (فرنهوف و دسوسا، ۲۰۲۱: ۵۳) تا این طریق اندیشمندان دانشگاهی بتوانند داده‌ها و گردش کار فکری خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و با انتقال یا بسط ایده‌ها و گفتگوی‌های نو، خالق افروده‌هایی تازه به علم در یک اکوسیستم دانشی باشند. این در حالی است که در دوره پهلوی اول، نگاه حاکمیت به دانش و دانشگاه، نگاهی ساخت گرایانه بود. بدین معنی که ساخت دانش و معنا، توسط فرد و ناشی از

<sup>1</sup>-Talent training

<sup>2</sup>-Scientific research

<sup>3</sup>-Social services

<sup>4</sup>-Cultural inheritance and innovation

<sup>5</sup>-Zhou

<sup>6</sup>-Scientific community

<sup>7</sup>-Ferenhof, and de Sousa

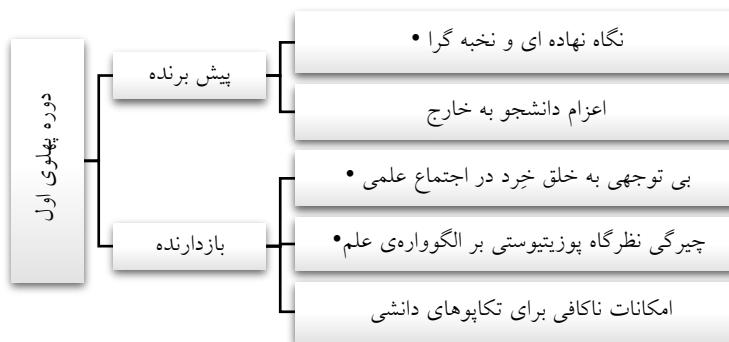
تجارب خود او انجام می‌گرفت نه بر بنیان پارادایمی شرکتی مبتنی بر آزمایش ایده‌ها، انتشار مجلات علمی، برگزاری کنفرانس‌ها و حتی حمایت‌های نهادی و ارتباط قوی بین پژوهشگران. از این‌رو کارکرد دانشگاه از همان سال ۱۳۱۳ کارکرد توسعه علم و به حقیقت پیوستن دانشگاه ایرانی نبود؛ زیرا "توسعه دانش خاص، به متغیران انتقادی نیاز دارد که به سرعت مفروضات را شناسایی کنند و با به چالش کشیدن آن‌ها" (موباده و مپنگوانا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲: ۲۹۸) دانش و جامعه دانش‌محور را به‌پیش ببرند که این اتفاق با تأسیس دانشگاه در دوره پهلوی اول چندان جلوه منطقی به خود نگرفت.

### چیرگی نظرگاه پژوهیستی بر الگوواره‌ی علم

در این دوره، به دلیل حرکت جامعه به سمت تحول، به علوم طبیعی و فنی اهمیت بیشتری داده می‌شد. از این‌رو، پژوهیستی‌سم فضای حاکم بر پژوهش‌های علمی بود؛ بنابراین با رویکرد پژوهیستی- ارتدوکسی فرانسوی در دوره پهلوی اول، نگرش علمی به مسائل و روش‌های معتبر در شناخت از جمله عقل‌گرایی، یا کم نما شد یا از اعتبار افتاد. (ژائری و محمدعلی زاده، ۱۳۹۶: ۱۶). درحالی‌که برای تحقق دانشگاه ایرانی و پیشگامی در دانش فقط حسن و تجربه و آزمایش کفایت نمی‌کند. بلکه سبهر علمی نهاده‌های علم پرور، هنگامی بی‌قدار دانش می‌شود که نظریه‌پردازهایش علاوه بر تجربه و آزمایش (معرفت‌شناختی آمپریستی) به بنیان‌ها نیز بپردازند تا ضمن داوری آن‌ها، به نوآفرینی دست بزنند. پس با نگرش پژوهیستی که در نهادهای رسمی از جمله مراکز آموزشی ایران در سطوح مختلف، تعلیم داده می‌شد (جاویدی، ۱۳۹۴: ۷۵) به جز علوم طبیعی-تجربی، علوم دیگر در حاشیه قرار گرفتند که در نتیجه سبب شد دانشگاه نتواند در شاکله‌ای ایرانی، در خلق دانش‌های نو دست کم در این بخش از علوم، چندان موفق عمل نماید.

### امکانات ناکافی برای تکاپوهای دانشی

برای مهیاکردن امکانات علم پروری دانشگاه، دست کم سه عامل، مهم‌اند. یکی مدیریت نهاد یا سیستم دانشگاهی. دوم محیط آموزش و سوم زیرساخت‌ها (رملی و زین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸: ۲۹۹). بدیهی است هرگونه نقص در این عوامل می‌تواند بازدارنده پیشگامی در دانش تلقی شود. مرور مناسبات دانشگاه در دوره پهلوی اول نشان می‌دهد این چالش (یعنی ضعف امکانات و زیرساخت‌ها) به علاوه‌ی بهروز نبودن مراکز علمی- پژوهشی، سبب شد تا زمینه برای عدم ماندگاری صاحبان ذهن‌های خلاق در دانشگاه فراهم نشود و آنان ناچار به خارج از کشور مهاجرت نمایند تا دانشگاه نتواند از امکانات تحقیقی و برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود برای پی افکنند دانشگاه ایرانی و رسالت پیشگامی در دانش به‌طور کامل استفاده کند.



شکل ۲-پیش برنده‌ها و بازدارنده‌های دانشگاه ایرانی (دوره پهلوی اول)

با توجه به آنچه در این بخش اشاره رفت، در نگاهی واکاوانه به این دوره می‌توان گفت پهلوی اول برای پیاده‌سازی سیاست‌های نوسازانه خود، به گسترش آموزش عالی و اعزام دانشجو به خارج اهتمام ویژه داشت تا این طریق زمینه برای تأسیس دانشگاه تهران به عنوان اولین

<sup>1</sup>-Mabade and Mapangwana

<sup>2</sup>-Ramli and Zain

دانشگاه مدرن در سال ۱۳۱۳ مهیا شود؛ بنابراین اگرچه ساخت دانشگاه را می‌توان جزو برجسته‌ترین دستاوردهای این دوره به شمار آورد ولی این نهاد علمی از یکسو با قابلیت‌های درخوری مانند آموزش به عنوان محمولی برای پژوهش و از دیگر سو با ضعف‌های ساختاری مانند نارسایی‌های برنامه‌ریزی و دخالت مستقیم حکومت و نهاد سیاست در آن همراه بود. به طوری که دانشگاه به مرکزی مطابق با خواسته‌های پهلوی اول بدل شده بود که او در رویکردی صاحب-مالکی، از آن برای مشروعتی بخشی ایدئولوژیک و پشتیبانی‌های تبلیغاتی استفاده می‌کرد تا در نتیجه دانش‌جویی در اولویت آشکار دانشگاه نباشد و از تثیت و سنتیت دانشگاه ایرانی باز بماند.

### دانشگاه در دوره پهلوی دوم، پیش برندها و بازدارندها

دوره پهلوی دوم را باید دوره گسترش و آغاز نظم نوین در آموزش عالی و نیز افزایش نسبی دسترسی زنان به تحصیلات دانشگاهی و مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی به شمار آورد. (ظریفی حسینی، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۴). با وجود این، با گذشت زمان، در دهه ۴۰، دولت نگاه ویژه‌ای به کارکردهای ایدئولوژیک در نظام آموزشی پیدا کرد. به طوری که تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی منابع آموزشی و تنظیم هم‌راستای آن با ایدئولوژی دولتی به شدت دنبال می‌شد (بیگدلو و شهیدانی، ۱۳۹۶: ۳۲). دهه ۵۰ دوره رویکرد علمی دولت پهلوی به دانشگاه بود؛ زیرا در این دهه، اولین بار مسئله توسعه دانشگاه و پویایی آن پا به پای تحولات علمی دنیا و نیازهای جامعه بومی نهادینه شد تا سهم سرمایه‌گذاری در آموزش عالی از  $\frac{6}{8}$  درصد در برنامه چهارم به  $\frac{9}{8}$  درصد در برنامه پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) برسد (فراستخواه، ۱۳۸۳: ۲۶۳) اگرچه چشمداشت پهلوی دوم از دانشگاه در طول دوران سلطنتی متغیر بود ولی وی مانند پدرس دانشگاه را محلی برای تربیت نیروی متخصص دستگاه‌های دولتی و در عین حال پایین‌دستی به ایدئولوژی حاکمیت - یعنی وطن‌پرستی - می‌خواست.

### پیش برندها

#### تبادل دانش با دانشگاه‌ها

پژوهش علمی اساسی ترین پایه‌ی توسعه علم و دانش است که نخستین الزام آن بستگی به کنجدکاری‌های آدمی دارد. در واقع، سازگاری مدام با زندگی، مشارکت فعال در تغییرات در حال وقوع جامعه، خلاقیت، خودکفایی و تفکر اصیل، جزو ویژگی‌های ضروری دانش‌پژوهشی اند؛ بنابراین خردبینی و تجسس‌های پژوهشی در علم، سرگرمی نیست. بلکه کاری مسئولانه است که نیاز به خوداتکائی و تفکر تحلیلی و نیز کندوکاو مدام در اطلاعات و داده‌ها دارد (لامانوسکاس، ۲۰۱۲: ۲۰۱). پس دانشگاه، توأمان، متعهد به تبادل آزاد افکار و اصول آزادی اکادمیک است. با این اشارات به نظر می‌رسد دانشگاه در این دوره در تحقق چنین ویژگی‌هایی نسبتاً موفق عمل کرده باشد؛ زیرا ارتباط و ایجاد ساختارهای باز جهانی که لازمه ارتقا و کیفیت آموزش و پژوهش و آفرینش علم و پیشگامی دانشگاه در دانش‌آند در دوره پهلوی دوم تا حدودی برقرار بوده است. به طوری که در سال ۱۹۷۸ تقریباً ۶۰،۰۰۰ دانشجویان متقاضی آموزش در خارج از کشور، تحت ناظارت رسمی دولت در ۴۰ کشور جهان به‌ویژه در ایالات متحده امریکا به تحصیل مشغول بوده‌اند. این رویه سبب شد بعدها در اوخر سال ۱۹۷۶ دانشگاه ایرانی، ۴۲ پیوند رسمی با ۳۲ دانشگاه ایالات متحده برقرار کنند. (نوو، ۲۰۰۸: ۱۸۳) در این دوره به‌جز امریکا، کشورهای اروپایی نیز در هدایت و همکاری با آموزش عالی ایران ایفای نقش می‌کردند که از این قبیل می‌توان به نقش آلمان غربی در بیان‌گذاری دانشگاه گیلان و تقویت طرفیت فناوری در دانشگاه همدان توسط فرانسوی‌ها اشاره کرد؛ بنابراین برای استوار سازی شالوده علمی دانشگاه در دوره پهلوی که به‌نوعی بین‌المللی سازی آموزش عالی بود، بیش از ۵۹ دانشگاه آمریکا راهنمایی‌هایی را به دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها یا نهادهای دولتی ایران ارائه می‌کردند که از این ارتباطات خارجی و جهان‌گستری می‌توان به عنوان پیش برندگی در به حقیقت پیوستن دانشگاه ایرانی یاد کرد.

#### کوشش در دانشگاه سازی

در زمان پهلوی دوم مرحله جدیدی از گسترش آموزش عالی در ایران آغاز شد. به طوری که از ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵ (۱۹۵۶-۱۹۵۶ م) پنج دانشگاه در شهرهای بزرگ از جمله دانشگاه‌های تبریز (سال ۱۳۲۶)، شیراز و مشهد (سال ۱۳۲۸)، اصفهان (سال ۱۳۲۹) و اهواز (سال ۱۳۳۴) تأسیس

<sup>1</sup>-Lamanauskas

<sup>2</sup>-Nevo

شد افزون بر این، دهه ۴۰ و ۵۰ را نیز باید جزو سال‌های رشد آموزش عالی به شمار آورد؛ زیرا با رشد دانشگاه‌ها و مدارس عالی خصوصی، برای اولین بار نوعی رقابت در آموزش عالی ایران به وجود آمد که برآیند آن تأسیس وزارت علوم و آموزش در سال ۱۳۴۶ و شورای مرکزی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۴۸ بود. این شورا توانست گام‌های مهمی در تجدید سازمان و اعمال نظارت مرکزی بر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بردارد؛ بنابراین گسترش کمی تأسیس دانشگاه‌ها نه فقط نیروی تربیت شده موردنیاز جامعه را تأمین می‌کرد، بلکه زیرساخت‌هایی را نیز برای بخورداری از فناوری‌های نوین در جامعه فراهم آورد. به گونه‌ای که این عامل در نقشی پیش برندۀ برای تحقق دانشگاه ایرانی، با دانش‌افزایی و ارتقا مهارت‌ها، زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را برای توسعه ملی و تولید دانش هموار کرد (باقری و کریم اف، ۱۳۹۲: ۲۶).

### برخی بازدارنده‌ها

#### تغییر نگرش به علم جدید

وقوع جنگ جهانی دوم، مبارزات ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد و درنهایت تشديد نزاع فکری موافقان و مخالف تجددگرایی، زمینه را برای تنازع دیدگاه‌ها پیرامون نوگرایی و علم جدید هموار کرد. این روندها موجب بازنگری در نگرش عمومی به علم و نظامهای آن در میان نخبگان شد. به طوری که میل به تغییر در سطوح مختلف نظام علمی و آموزشی کشور و ترمیم نگرش‌های بنیادین و اصلاحات نهادی را دامن زد (زاده، ۱۳۹۶: ۱۹). یکی از این ترمیم‌ها نقد بحران دنیای تجدید و رهایی از آن تحت عنوان بازگشت به سنت و شماتت علم نو به مثابه تها راه معتبر دانش جویی بود. شاید به همین دلیل برخی به تبعیت از گونون<sup>۱</sup> باور داشتن دانش علمی مدرن، دانشی بیهوده، موهوم و خرافاتی مربوط به واقعیت است تا در نتیجه با طرح باز کشف اصول و اعتقاد به ایده بومی‌سازی [افراتی]، سرinxانه علیه علوم جدید و نظام علمی و دستاوردهای آن موضع بگیرند. (زاده، ۱۳۹۶: ۲۱) به هر رو، تقطیع مفاهیمی چون علم‌گرایی برای رد یا اثبات آن در برش زمانی پهلوی دوم سبب شد با به خامی کشاندن تفکر در قلمرو پرسش، دانشگاه نتواند درگذر از مسیر نوزادی تا بلوغ، اعتماد موجهی نسبت به عملی سازی دانشگاه ایرانی و آفرینش دانش‌های نو در خود ایجاد کند.

#### ناهمانگی توسعه کمی و کیفی

در این دوره به دلیل وضع نامساعد کیفیت آموزش و نیز ناکافی بودن اعضای هیئت‌علمی، توسعه کمی با توسعه کیفی همانگی نداشت؛ بنابراین اگرچه در سال ۱۳۵۲ پهلوی دوم با کسب درآمدهای نفتی توانست دانشگاه‌ها و دانشکده‌های بسیاری را در مراکز استان‌ها تأسیس کند ولی این مکان‌ها چندان از استادان و دانشجویان کافی و کیفی بهره‌مند نبودند. در حالی که دانشگاه در نمود ایرانی بودنش برای پایه گذاری و پیشگامی در دانش باید با تکیه بر خرد، آفرینش گری، امکانات زیرساختی، استادان با شایستگی‌های راستین علم و نیز بخش‌های اداری - پژوهشی پیشرفت، نماد کیفیت، یادگیری و آموزش‌های استاندارد علمی به روز باشد تا همان‌گونه که "چنگ" <sup>۲</sup> و گویه می‌کند بتواند با موردن توجه قرار دادن بعد انسانی و کیفیت مداری، هم حرفه‌ای بودن آکادمیک و هم پایبندی به یادگیری و نوآوری را در دانش گسترش دهد. (چنگ، ۱۳۹۷: ۲۰۱۷)

#### غلبه الگوی ناپلئونی بر ساختار دانشگاه

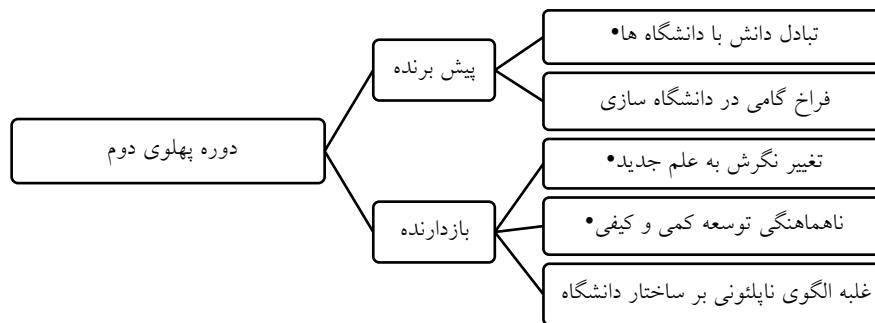
از منظر نهادگرایی بهویژه نظریه‌های تناظر گرایی نهادی<sup>۳</sup> چالش جدی مشروعیت دانشگاه در دوره پهلوی دوم- به دلیل ساختار فرانسوی‌اش- مبتنی بر تطبیق خود از طریق تقلید هنگارها و سیاست‌ها با ساختار دانشگاه مادر بود. پس اساس در چنین دانشگاهی، مشروعیت بود نه کارآمدی. شاید عمدت‌ترین دلیل این رویکرد، به ماهیت رونوشتی بودن دانشگاه از مدل ناپلئونی فرانسه فرن ۱۶- ۱۷ م و اعتبار گیری اشن از

<sup>1</sup>-Guénon

<sup>2</sup>-Ming Cheng

<sup>3</sup>-Isomorphism

اندیشه های ناپلئونی برگرد.<sup>۱</sup> همان مدلی که با محدود کردن خودگردانی دانشگاه، این نهاد علمی را به مؤسسه ای آموزشی برای تحقق اهداف سیاسی -ایدئولوژیکی دولت پهلوی بدل کرده بود؛ بنابراین در چنین دانشگاهی که منطق تشکیل آن بر دولت-مرکز استوار بود و دولت بر تمام رویه های آن از طریق قوانین، مقررات استخدامی و تکنیک های اداری -بوروکراسی مداخله می کرد. انتظار آفرینش دانش نو بسیار ممتنع می نماید؛ زیرا با کنترل و یک جانبه نگری بر امور داخلی دانشگاه و نظارت شکاکانه به مثابه الیگارشی آکادمیک، تمام پروفایل های مطالعاتی و پژوهش های دانشگاهی خواهانخواه به سمتی سوق داده می شود که دولت خواهان آن است و همین امر در نقشی بازدارنده، مانعی جدی بر مسیر دانش آفرینی آزاد و تحقق پذیری دانشگاه ایرانی است.



شکل ۳- پیش برنده ها و بازدارنده های دانشگاه ایرانی (دوره پهلوی دوم)

در هر حال بررسی این دوره نشان می دهد علاوه بر محدود بودن آموزش عالی به طبقات متوسط شهری<sup>۲</sup>، ساختار غیردینی دولتی، دنباله روی از غرب، گستالت از سنت های علمی پیشین، نخبه گرایی، ناهمانگی اشتغال -آموزش و نیز گسترش کمی، دانشگاه نتواند با تغییر زیرساخت های فکری و ارتقای نگرش و مهارت ها، زمینه را برای پیشگامی در تحقق دانشگاه ایرانی در حد مقبول هموار کند.

#### دانشگاه در دوره انقلاب، پیش برنده ها و بازدارنده ها

با وقوع انقلاب اسلامی و حاکم شدن ارزش های آن بر جامعه و نیز تغییر در راستای همگرایی با ایدئولوژی انقلاب اسلامی و دست یابی به اهداف و آرمان های آن، تحولی در نظام آموزش عالی تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" آغاز شد که از آن می توان به تطبیق ماهیت نظام آموزش عالی و دانشگاه با بدنه انقلاب و مطرح شدن اندیشه دانشگاه اسلامی یاد کرد (طوفی حسینی، ۱۳۹۱: ۷۷)؛ بنابراین با سرنگونی دولت پهلوی و آغاز انقلاب، آموزش عالی دستخوش دگرگونی های بنیادینی شد که توسعه آن با جهت گیری دینی، اسلامی، ارزشی و تخصص گرایی همراه بود. به همین دلیل در سال ۱۳۵۹، هیئت امناء و مؤسسات آموزش عالی و شورای مرکزی کشور، منحل و دانشگاهها به منظور برپایی تغییرات ساختاری به مدت ۳ سال (۱۳۵۹-۶۲) به تعطیلی دچار شدند (مدهوشی و نیازی، ۱۳۸۵: ۱۲۲) در آن زمان با تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، اهدافی دنبال می شد که مهم ترین آن برنامه ریزی برای گسترش آموزش عالی اسلامی، پاکسازی نیروی آموزشی از عناصر وابسته پهلوی، ایجاد مرجع برنامه ریزی متمرکز بر مبنای نیازهای کشور و اصلاحات در زمینه محتوا، منابع، کتب و جستارهای آموزشی در راستای پیشبرد

<sup>۱</sup>- مدل ناپلئونی به مثابه دانشگاهی سنتی و نخبه گرا، علاوه براین که بهره وری آموزش عالی را به مشاغل، اقتصاد و همچنین نیازهای محافظه کارانه فرد پیوند می زند، در صدد است که دانشگاه باید نیازها و سیگنال های بازار را برطرف کند. (پاسکال و بیلولا دوه، ۲۰۱۷: ۱۱). در حقیقت "این الگو یکی از کهن ترین نمونه های استفاده دولت از دانشگاه در راه نوسازی جامعه است که در شکل کلاسیک خود، در تأکید بر هویت یگانه ملی که پایه های آن بر اصول برابری و شایسته سalarی قرار دارد و خود این اصول را، مدیریت قادر تمند کشور، تعریف و پشتیبانی می کند، اهرم نیرومندی به شمار می رود. این الگو علاوه بر فرانسه در کشورهایی چون اسپانیا و ایتالیا به کار گرفته شد و در آرژانتین و بسیاری از کشورهای فرانسه زبان و آفریقا نیز دیده می شود. (ذاکر صالحی، ۱۳۹۶: ۳۱)

<sup>2</sup>- Urban Middle Classes

اهداف و دستاوردهای انقلاب بود تا از این طریق، فراغه‌ی دانشگاه، تبدیل به زیستگاهی سالم برای آموزش و یادگیری علم و تدوین علوم عالی اسلامی شود (ژائی، ۱۳۹۶: ۴۳)؛ بنابراین در دوره انقلاب، هدایت آموزش عالی به‌قصد پایان نابرابری‌ها، افزایش عدالت و فرصت دسترسی به آموزش عالی در نمونه‌هایی مانند آموزش عالی رایگان و تأسیس شبکه‌های آموزش از راه دور در مناطق محروم تجلی یافت تا دانشگاه با نشر علم و توسعه در سه شکل دولتی، غیردولتی و آزاد با هدف انسان‌سازی در مسیری متعالی گام بردارد.

#### پیش‌برندها

#### مشارکت در رتبه‌بندی‌های داخلی و بین‌المللی

یقیناً شخصیت فراینده فراملی آموزش عالی، پویایی شرگرفی را در گذرگاه پیشرفت علم و فناوری پیش روی هر جامعه‌ای قرار می‌دهد. چنین روندی هنگامی که با فرآوری فرصت‌ها و بهبود آموزش همراه شود، می‌تواند دانشگاه‌ها را از راه همکاری، رقبابت و دادوستادی‌های نو در فرا روی دید قرار دهد (ایشیکاوا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۱۵۹) ازین‌رو، هرساله رتبه‌های دانشگاه‌ها به‌قصد تبیین جایگاه آنان در علم به‌وسیله سازمان‌های شناخته‌شده‌ای در آموزش عالی منتشر می‌شود که هدف آن افزون بر شناسایی و ارزیابی پیشرفت‌های آموزشی-پژوهشی، دیدگاه‌های بی‌طرفانه‌ای پیرامون کوشندگی‌های دانشگاه‌ها بر پایه سنجنده‌ها و شناسه‌های قابل اندازه‌گیری مانند اعضای هیئت‌علمی دارای جایزه، استادان و دانشجویان، فارغ‌التحصیلان پُر استناد بر اساس استاندارد ISI و OIC و غیره ارائه می‌دهد. در دوره انقلاب به‌ویژه در سال‌های اخیر، دانشگاه‌ها در فرآوری دانش، خیزی چشمگیر در رتبه‌های بین‌المللی برداشته‌اند. به‌طوری‌که توانسته‌اند با عبور از خط فقر علمی، خود را در مسیر پیش‌رونده‌گی در دانش و به واقعیت پوستن دانشگاه ایرانی سراپا نگاه دارند؛ بنابراین حضور در رتبه‌بندی‌های جهانی افزون بر نشان دادن تصویری پرتوان از دانشگاه‌های برتر، می‌تواند در رقابتی‌ترین معیارها با همتیان، کامیابی آینده هر دانشگاهی را در میدان جهانی به‌وسیله آموزش‌های برتر و پیش‌رونده‌گی در دانش تحت‌الشعاع قرار دهد (ایشیکاوا، ۲۰۰۹: ۸).

#### کوشش در بین‌المللی سازی

بین‌المللی سازی<sup>۲</sup> به عنوان یک مفهوم و برنامه راهبردی، پدیده‌ای کمایش نو، گسترده و متنوع در آموزش عالی است که با ترکیبی پویا از منطق‌ها و ذینفعان سیاسی - اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و دانشگاهی هدایت می‌شود تا درنتیجه در درازای نیم قرن گذشته از تکاپویی حاشیه‌ای به سویه‌ای بنیادین، در دستور کار اصلاحات دانشگاه‌ها قرار بگیرد. (دی ویت و جی آلتباخ<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰: ۲۸). از منظر تاریخی، آموزش عالی در شاکله دانشگاهی، ماهیتاً وجهه‌ای بین‌المللی دارد. با وجود این، برخی اذعان دارند دانشگاه‌ها به گونه فزاینده در دنیابی از دولت‌ملتها قرار گرفته‌اند تا با اجرای طرح‌هایی آن‌ها را همواره بین ماهیت جهانی و آراستگی‌های ملی- محلی با تنش رویه رو نمایند. (چوداها و دی ویت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴: ۱۹). توجه به این واقعیت، سبب شد تا در دوره انقلاب از منظر برنامه‌ریزی‌های راهبردی- توسعه ای در قانون برنامه پنج‌ساله ششم و نیز نقشه جامع علمی کشور به صراحت بر بین‌المللی سازی آموزش عالی و گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی- پژوهشی معتبر بین‌المللی به‌ویژه مشارکت فعال با جهان اسلام در حوزه‌های علوم و فناوری تأکید گردد. (نوروزی چالکی، ۱۳۹۷: ۲). بر همین اساس در دهه چهارم انقلاب، دانشگاه‌ها و دانشگاه‌هایان چنان برای جهانی سازی جایگاه خود، پیگیر بین‌المللی سازی آموزش‌های عالی شدند که می‌توان از آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به عنوان تقویتگر شکل پذیری دانشگاه ایرانی یاد کرد؛ زیرا بهره‌مندی از پشتیبانی‌های اسناد بالادستی به نفع بین‌المللی سازی، دانشگاه‌ها را و می‌دارد تا در رسالت‌ها، مأموریت‌ها، اهداف و کارکردهای خود بازنگری کنند و بین‌المللی سازی را راهبردی استراتژیک در چشم‌اندازهای دانشگاهی به نفع پیشگامی در دانش بگنجانند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۹۶).

<sup>1</sup>-Ishikawa

<sup>2</sup> Internationalization

<sup>3</sup> De Wit and Altbach

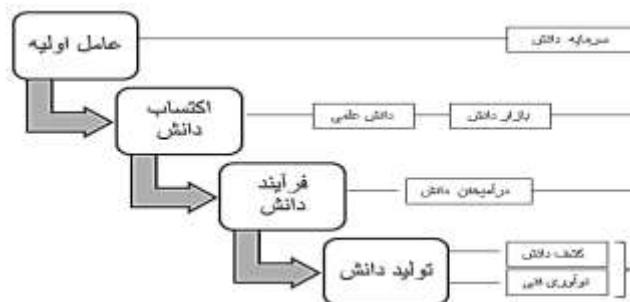
<sup>4</sup> Choudaha and de Wit

## حضور زنان در مراکز آموزش عالی

امروزه توانمندسازی زنان در تحقیقات علمی، موضوعی حیاتی در دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل برای توسعه پایدار در نظر گرفته شده است (شمیری<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). این در حالی است که در دوره انقلاب، پیش از این طرح، زمینه ها برای نیوگ زنان با فراهم آوردن فرصت برابر ورود به دانشگاه و بهره مندی از علم و مشارکت در خلق دانش و نیز ایجاد تعادل بین توانمندی های کشور از گروه های گوناگون جنسیتی، مهیا شده بود. از این رو، یکی از مهم ترین تحولات آموزش عالی در سال های انقلاب حضور گسترده زنان در دانشگاه ها و اختصاص ۵۷٪ از گنجایش آن به خود بوده است (لشکری، ۱۳۸۶-۱۲۵). این موقوفیت یکی از درخشنان ترین عرصه های افزایش خودبادوری زنان در دوره انقلاب و در نتیجه تسريع مشارکت آنان در روند ایجاد دانشگاه ایرانی بوده است.

### آگاهی موشکافانه از سیر تاریخی و سابقه غنی دانش

به تعبیر بارت و بنگتسن<sup>۲</sup> اگر کسی ناگزیر به گرینش پندراء های یکتا برای نشان دادن همبستگی نزدیک آن با دانشگاه باشد، بی گمان آن پندراء یا مفهوم؛ همان دانش است؛ زیرا دانش و دانشگاه چنان به هم پیوند خورده اند که درک دانشگاه بدون دانش ناممکن است؛ بنابراین دانشگاه به عنوان نهاد یا مفهوم، بدون درگیر شدن با دانش، سزاوار انگاشت و پنداشت نیست (بارنت و بنگتسن، ۲۰۱۷: ۱). به طور کلی ایجاد گری دانش در دانشگاه، ارتباط معنادار نزدیکی با پدید آوردن محصول در مفهومی عام دارد. به این معنی که اگر فرآیند تولید یک محصول از ورود ماده خام تا خروج محصول نهایی، شامل اکتساب، فرآوری ماده اولیه و درنهایت، محصول تکمیلی در نظر گرفته شود به همین سیاق، دانش های پراکنده در دانشگاه باید پردازش شود تا در فرآیند گذر از آرایه های پیش رونده ای چون کسب دانش<sup>۳</sup>، فرآیند دانش<sup>۴</sup> و شکل گیری دانش<sup>۵</sup> تولید آن به شکل دانشی نوظهور نماید. (ژو، ۲۰۱۷: ۶۵)



شکل ۴- آرایه پیش روندهای برپایی دانش در دانشگاه ایرانی

از آنجاکه ایده دانشگاه ایرانی، هم پیوند با ایده دانش و ایده دانش، هم پیوند با شیوه تحقیق حقیقت و حقیقت نیز دارای نظم متفاوت و دستخوش تغییرات ظریف و لطیف و عمیقی است؛ بنابراین شناخت این درآمیختگی و پیچیدگی سبب می شود تا دانشگاه به حقایق مستقر، قانع نشود و پیوسته در پی نوسازی دانش های بنادرین و نیز مفهوم سازی های مجدد از دانایی و معرفت باشد. با آگاهی از چنین شناختی است که دانشگاه های پسا انقلاب برای فرم پذیری دانشگاه ایرانی، نگذاشته اند دچار نامتعادلی و نوسان های نظری پیرامون حرف ها، نقد ها، مفاهیم و مفروضه های گردانگ دانش یا علوم مستقر شوند تا در نتیجه پیوسته کوشش کنند با پاک سازی گذرگاه های پژوهش (قداست زدایی از

<sup>1</sup>-Shammary

<sup>2</sup> Barnet and Bengtsen

<sup>3</sup> knowledge acquisition

<sup>4</sup> knowledge process

<sup>5</sup>-knowledge formation

<sup>6</sup>-Zhou

نظریه‌ها) و عقل دانشگاهی، بسیاری از تولیدات فکری و ایده‌های نظری را فاقد ترجیح یا پایداری‌های مطلق بینگارند و با نوسازی دانش، معتبر پرسش جویی<sup>۱</sup> تا پژوهش‌های هدف محور<sup>۲</sup> یا به تعبیر نیکلاس ماکسول<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) از دانش تا خرد<sup>۴</sup> را در حد مقبولی طی کنند.

### بازدارنده‌ها

#### توسعه یافته‌گی سنتی و ناهمگامی با شرایط زمانه

شکی نیست که آموزش عالی در سال‌های اخیر با رشد کمی همراه بوده است. ولی با وجود این ظرفیت‌سازی‌های کمی، برخی دانشگاه‌های کشور هنوز با سبک سنتی توسعه و ناهمگامی با شرایط زمان، نتوانسته‌اند از حداکثر ظرفیت‌های فناورانه خود برای پی‌افکنند دانشگاه ایرانی و حتی رفع نیازهای جامعه – از جمله بیکاری – پاسخ مناسب دهند. البته این بدان معنا نیست که رشد کمی آموزش عالی علت تامه بیکاری است بلکه بخشی از علت می‌تواند وابسته به فقدان شایسته‌سالاری، بی‌نظمی در ساختار اقتصادی جامعه باشد. با وجود این، امروزه سرگرم شدن در امور جاری سبب شده تا بسیاری از دانشگاه‌ها به جای دانش‌آفرینی‌های ناب، به مراکز هزینه بری بدل شوند که نتوانند مرجعیت خود را در تولید، نشر دانش و جهت‌دهی به آگاهی‌های اجتماعی انسانی در حد انتظار برآورده کنند. این بازدارنده، عاملی شده است تا دانشگاه‌ها از استانداردهای دانشگاه ایرانی در تراز جهانی تا حدودی باز بمانند و در نتیجه پژوهشگران کمتر بتوانند زلزله‌ای در معرفت‌شناسی‌های موجود، ایجاد و داشت را با زمان و بلکه فراتر از آن به پیش ببرند. شاید بهتر است با وام‌گیری از نیچه اشاره شود عملده‌ترین مشکل در آفرینش دانش‌های جدید این باشد که برخی دانشگاه‌ها عنکبوت وار در تور خود نشسته‌اند و چیزی گیر نمی‌آورند جز آنچه را که دقیقاً در آن گرفتار آمدند! (نیچه، ۲۰۰۵: ۱۱۷).

### مقاله گرایی

یکی از معیارهای مهمی که امروزه توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به صورت اجباری برای ارتقاء شغلی اعضای هیئت‌علمی در نظر گرفته، نشر مقالات در مجلات معتبر بین‌المللی است. (فاضلی، ۱۳۹۳: ۵۳). این اضطرار، موجب شده تا در سال‌های اخیر، بازار نوشتمن مقاله حتی با هزینه‌های پولی در ایران رایج و به بروز اصطلاحاتی مانند "پرولتاریای پژوهشی"، "تقلب علمی"، "سرقت علمی" و "داده سازی" ختم شود (کاظمی و فتوحی، ۱۴۰۰: ۲۴۰)، بنابراین گرچه برای به دست دادن تصویری واضح از پیشرفت در تحقیقات، معیارهای گوناگونی از جمله انتشار مقاله‌های تحقیقی وجود دارد؛ ولی این معیار، به تنایی چیزی به پیشگاه عقل نقاد، به عرضه نمی‌آورد تا نشان دهد آیا دانشگاه‌ها از ایده‌های نوین دانشی حمایت می‌کنند یا خیر. اگر به این مؤلفه‌ها، آیین‌نامه‌های مربوط به ارتقاء نیز اضافه گردد می‌توان پذیرفت که پژوهشگران دانشگاه چرا ناچارند به سمت مقاله‌نویسی میل کنند درحالی که اغلب آن مقالات ممکن است کمترین ارتباط را با روح و رفتار جامعه داشته باشد. پس مقاله گرایی ارتقاء محور به مثابه ابزاری برای منفعت، سبب شده تا بسیاری از محققان نه برای برقایی دانشگاه ایرانی و پیشگامی آن در دانش بلکه به قصد انبوه نویسی، آنچه را ندارند از دانشگاه بگیرند نه آنچه از نوگویی‌ها دارند یا می‌توانند داشته باشند به دانشگاه، عرضه نمایند.

### توده گرایی

اگرچه امروزه انبوه‌سازی کالبدی دانشگاه، برای آموزش و تولید دانش دانشگاهی در سطح دنیا به روندی اجتناب‌ناپذیر بدل شده است تا از یک سو مشکل تولید و انتشار دانش حل شود و از دیگر سو افراد از طریق کسب دانش برای جهت‌دهی حرفه‌ای و فردی خود به رفاه ذهنی برستند (سیلووتین<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۵۸). ولی نباید آن را با توده گرایی در آموزش‌های دانشگاهی یکسان تلقی کرد. انبوه‌سازی دانشگاه در ظاهر نشان از پیشنازی در خلق تفکر و نوآوری‌های علمی است که ماهیت اصلی دانشگاه را به عنوان محیطی تغییر پرور در اذهان جاسازی

<sup>1</sup>-knowledge inquiry

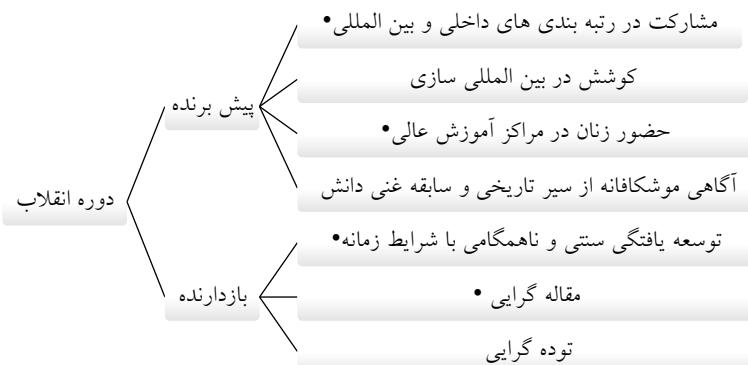
<sup>2</sup>-aim-oriented inquiry

<sup>3</sup> Maxwell and Nicholas

<sup>4</sup>-From Knowledge to Wisdom

<sup>5</sup>-Selyutin

می کند؛ با وجود این، به اذعان فیلسوفان علم، دانشگاه محل اجتماع توده‌ها نیست؛ زیرا علم باید به منزله تافته‌ای جدا باشته [ فقط] در دست عده‌ای از نخبگان علمی قرار گیرد. به همین دلیل تمام حوزه‌های علمی باید به جای توده‌ها، به اندیشمندان و نظریه‌سازان علمی واگذار شود. البته این به معنای طرد توده‌ها از فرآگیری علم و دانایی نیست. بلکه مقصود این است که حوزه‌های آکادمیک و پژوهش گری نباید در صحنه و صفحه توده‌گرایی یا اندیشه‌های توده وار، متوقف و گرفتار آیند؛ زیرا دانشگاه ایرانی برای تاسیس خود و پیشگامی در دانش باید به تعییر موك و مارجینسون<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) سه مسیر فرایندی انبوهوسازی<sup>۲</sup>، متنوع سازی<sup>۳</sup> و بین‌المللی سازی<sup>۴</sup> را گام به گام بی‌ساید. در هر حال، بررسی کلی آمار دانشگاه‌ها و دانشجویان در دوره پسا انقلاب نشان می‌دهد آموزش عالی با رشد بی‌رویه انواع مراکز و مؤسسات دانشگاهی رو به رو بوده است. در این‌باره بر اساس آمارهای موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی ایران در ۱۳۹۸، مقایسه نقطه‌ای رشد زیر نظام‌ها در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ و سال تحصیلی ۹۵-۹۶ نشان‌دهنده آن است که دانشگاه‌های وزارت "عتف" (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) در حدود ۵۵ درصد، دانشگاه آزاد اسلامی ۴۰ درصد، دانشگاه جامع علمی کاربردی حدود ۷۱٪ و موسسه‌های آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در حدود ۵۰٪ رشد داشته‌اند (کمالی، ۲۰۲۲: ۲۴). درحالی‌که این رشد، نه فقط کمک چشمگیری به نوگویی‌های ناب علمی و حل معضلات جامعه نکرده است بلکه موجب ایجاد معضلات جدیدی نظیر افت کیفیت آموزش و دشواری‌های دیگر شده است؛ بنابراین توسعه کمیت کالبدی و توده‌گرایی - به علاوه سلطه بازار بر دانشگاه‌ها - این مکان‌های علمی را اغلب دچار چالش‌های متعدد بازدارندگی در شکل دهی دانشگاه ایرانی و عدم تطابق کمیت با کیفیت کرده است.



شکل ۵-پیش برندۀ‌ها و بازدارنده‌های دانشگاه ایرانی (دوره انقلاب)

باری، مذاقه در این دوره انقلاب نشان می‌دهد اگرچه حضور گسترده‌اما تدریجی زنان در دانشگاه‌ها را می‌توان مهم‌ترین تحول در آموزش عالی تلقی کرد ولی دانشگاه به دلیل ضعف پرسش از مبانی علوم جدید، سلطه کمیت بر کیفیت و نیز چیرگی دوگانه‌های اقتصاد-سیاست بر آن، بیشترین اهتمام را به آموزش و پژوهش به شیوه ستی داشته است. در نتیجه این نهاد دانشپرور باوجود بهره‌مندی از دانش پیشرفت، چندان نتوانسته است در تحقق رسالت ذاتی خود و استفاده از خروجی‌های بالارزشی چون منابع انسانی-مهارتی و دانش محوری در الگویی استعلایی و پیشگامانه، بازیگری ارزنده و تأثیرگذار در سبک‌های مبتکرانه تولید دانش و در نتیجه تحقق دانشگاه ایرانی باشد.

<sup>1</sup>-Mok & Marginson

<sup>2</sup>-Massification

<sup>3</sup>-Diversification

<sup>4</sup>-Internationalisation

جدول ۶- مقایسه پیش برندها و بازدارندها در ادوار تاریخی مختلف

<p>حضور استاد خارجی</p> <p>مواجهه با ملل اروپایی</p> <p>انتشار روزنامه‌ها</p> <p>ترجمه متون علمی-ادبی</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>•</li> <li>•</li> <li>•</li> <li>•</li> </ul>	<p>پیش برندها</p>	<p>دوره قاجار</p>
<p>دریاری بودن آموزش عالی</p> <p>فن گرا و تک نهادی بودن</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>•</li> <li>•</li> </ul>	<p>بازدارندها</p>	
<p>رویکرد نخبه‌گرا</p> <p>اعزام دانشجو به خارج</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>•</li> <li>•</li> </ul>	<p>پیش برندها</p>	<p>دوره پهلوی اول</p>
<p>بی‌توجهی به خلق خرد در اجتماع علمی</p> <p>چیرگی نظرگاه پوزیتیوستی بر الگوواره‌ی علم</p> <p>امکانات ناکافی برای تکاپوهای دانشی</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>•</li> <li>•</li> <li>•</li> </ul>	<p>بازدارندها</p>	
<p>تبادل دانش با دانشگاه‌ها</p> <p>کوشش در دانشگاه سازی</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>•</li> <li>•</li> </ul>	<p>پیش برندها</p>	<p>دوره پهلوی دوم</p>
<p>تغییر نگرش به علم جدید</p> <p>ناهمانگی توسعه کمی و کیفی</p> <p>غلبه الگوی ناپلئونی بر ساختار دانشگاه</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>•</li> <li>•</li> <li>•</li> </ul>	<p>بازدارندها</p>	
<p>مشارکت در رتبه‌بندی‌های داخلی و بین‌المللی</p> <p>کوشش در بین‌المللی سازی</p> <p>حضور زنان در مراکز آموزش عالی</p> <p>آگاهی موشکافانه از سیر تاریخی و سابقه غنی دانش</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>•</li> <li>•</li> <li>•</li> <li>•</li> </ul>	<p>پیش برندها</p>	<p>دوره انقلاب</p>
<p>توسعه یافته‌گی ستی و ناهمگامی با شرایط زمانه</p> <p>مقاله گرایی</p> <p>توده‌گرایی</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>•</li> <li>•</li> <li>•</li> </ul>	<p>بازدارندها</p>	

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی پیش برنده و بازدارنده‌ی دانشگاه ایرانی توانست ۱۲ عامل پیش برنده شامل: حضور استادان خارجی، مواجهه با ملل اروپایی، انتشار روزنامه‌ها، ترجمه متون علمی-ادبی (دوره قاجار) - رویکرد نخبه‌گرا، اعزام دانشجو به خارج (دوره پهلوی اول)- تبادل دانش با دانشگاه‌ها، تلاش در دانشگاه سازی (دوره پهلوی دوم)- مشارکت در رتبه‌بندی‌های داخلی و بین‌المللی، کوشش در بین‌المللی سازی، حضور زنان در مراکز آموزش عالی، آگاهی موشکافانه از سیر تاریخی و سابقه غنی دانش (دوره انقلاب) و ۱۱ عامل بازدارنده شامل: درباری بودن آموزش عالی، فن گرا و تک نهادی بودن (دوره قاجار)- بی‌توجهی به خلق خرد در اجتماع علمی، چیرگی نظرگاه پوزیتیوستی بر الگوواره‌ی علم، امکانات ناکافی برای تکاپوهای دانشی (دوره پهلوی اول)- تغییر نگرش به علم جدید، ناهمانگی توسعه کمی و کیفی، غلبه الگوی ناپلئونی بر ساختار دانشگاه (دوره پهلوی دوم)- توسعه یافته‌گی ستی و ناهمگامی با شرایط زمانه، مقاله گرایی، توده‌گرایی (دوره انقلاب) را آشکارسازی کند. با توجه به این یافته‌ها دست‌کم سه عامل می‌تواند سرمنشأ بازدارنده‌های تحقق دانشگاه ایرانی باشند. یکی مداخله‌ی امر سیاسی در تأسیس، توسعه، برنامه‌ریزی و روندهای اداری آموزش عالی و نیز نادیده گرفتن استقلال نهادی دانشگاه ها از دارالفنون تاکنون. دوم تقلیل دانشگاه، به دانشگاه دیوان‌سالار که سبب گردیده تا بیشتر روندهای دانشگاه به جای کمک به بازاندیشی‌های

انتقادی و هموارسازی مسیر نوگویی ها عملاً در خدمت سازمان خود درآیند. سوم بی قاعدگی در رشد کمی و دانشگاه سازی. به طوری که این کمیت گرایی ۲۶۴۵- دانشگاه و مرکز آموزش عالی - اگرچه توانسته است با توسعه در ساختارهای علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، نقشی پیش برنده به خود بگیرد ولی دانشگاه را بهویژه در دوره پهلوی دوم و انقلاب با چالش کیفیت و بد کارکردی مواجه ساخته است؛ بنابراین ناموزونی در کمیت و کیفیت علاوه بر رقیق شدن علم و یادگیری، بازدارندهای جدی برای هستی بخشی به دانشگاه ایرانی بوده است. در هر حال، ایده بر ساخت دانشگاه ایرانی با استوار سازی و نیرو بخشی پیش برندها به علاوه رفع بازدارندها و تغییر در قواعد، الگوها، ساختارها و هنجارهای موجود دانشگاه می تواند عمل دانشگاهی در ایران معاصر را با سرمشقوهای نوین آکادمیک محور، سازگار کند تا در نتیجه دانشگاهها با همسویی و همگرایی با ضرورت های جامعه ای دانش بینیاد، خود را در هویتی نو به تجلی برسانند. به طوری که با تبدیل دانش به توانش در کنشی رقابتی مشارکتی، هم در باز تولید دانش های قابل اعتماد بومی فعال شوند و هم در ارتقا دانش های معتبر جهانی، ایفای نقش کنند.

## References

- Abdollahi Chandaq, H., Khostu, Z. Scientific Society in Iranian Universities: Case Study of Social Sciences of Allameh Tabataba'i and Tehran University (Scientific Article of the Ministry of Science), Iranian Sociology, Year 13, Winter 2012. pp59-24. [In Persian]
- Aghazadeh, A. (2003). Analysis of the course of educational developments and events and understanding the important issues of the current education. Tehran: Arasbaran Publications. [In Persian]
- Barnet, R., Søren, B. Universities and Epistemology: From a Dissolution of Knowledge to the Emergence of a New Thinking Education Sciences 7, no. 1: 38. 2017.
- Bigdello, R., & Shahidani, Sh. (2017). Analysis of the renovation of the Iranian education system in the forties and early fifties (with emphasis on the Ramsar Educational Revolution Conference). Iranian History Journal, Winter 2018. Volume 10, No. 3: No. pp25-44. [In Persian]
- Cheng, Ming. Reclaiming quality in higher education: a human factor approach. Quality in Higher Education. Volume 23, 2017 - Issue 2. Pages 153-167 | Published online: 4 Sep 2017.
- Claire, G. Jones. Sue, Hawkins. Women and science. Notes Rec R Soc Lond. 2015 Mar 20; 69(1): pp5–9.
- Derrida, J. Mochlos, or the conflict of the faculties (J. Plug & others, Trans.). 2004
- Doh, Pascal. S. Doh, Bilola. (2017). The Prominence of the Napoleonic Model of Higher Education in the Knowledge Economy. International Scientific Journal of Universities and Leadership. pp 1-29.
- Fallahi, A., Rahimi, Gh. (2013). Dar al -Fonun and his role and role in teaching modern military science and technology in the Nasserian era. Journal of History of Science, Volume 11, No. 1, Spring and Summer 2013, pp. 47-74. [In Persian]
- Farasatkhan, M. (2018). University History in Iran. Tehran: Publishing Institute of Cultural and Social Studies of the Ministry of Science, Research and Technology. [In Persian]
- Farasatkhan, Maghsoud (2010). University's story and accidents in Iran (historical study of higher education and economic, social, political and cultural developments effective on it), Tehran: Rasa.
- Farasatkhan, Maghsoud (2004). Cultural Revolution ", Encyclopedia of Higher Education Under Nader Gholi Ghourchian, Hamid Reza Arasteh, Parush Jafari, Tehran: Encyclopedia Foundation. [In Persian]
- Fazli, N. A look at globalization and global trends in higher education developments and the status of Iranian higher education. Journal of Social Sciences, 2004. 1 (25) 11-41. [In Persian]
- Ferenhof, H. (2021). Aisenberg and de Sousa. Marcos Paulo Alves. "Emerging Ecosystem-Centric Business Models for Sustainable Value Creation "(pp.53-66). Publisher: IGI Global. 2021
- Gani, J. K. & Marshall, J. The impact of colonialism on policy and knowledge production in International Relations. 10 Jan 2022, In: International Affairs. 98, 1, pp 5-22.
- Hossein Talai, P. & Najafian Razavi, P. Eleventh Year, Number One, Spring and Summer 2011: pp 14-1.
- Hosseini, M., et al. (2018). Designing the International Model of Higher Education among Public Universities in Northeast of the country, Iranian Journal of Education in Medical Sciences, Volume 19, No. 82: 505-494. [In Persian]
- Ishikawa, M. (2009). University Rankings, Global Models, and Emerging Hegemony. Critical Analysis from Japan. Journal of Studies in International Education: Vol. 13, No. 2. 159-173.

- Jafari, Sepideh et al. (2018) Promoting and Hampering Factors in Internationalization of Universities, Iranian journal of medical education. Year:1398, Volume:19, Issue:82, pp 67-77. [In Persian]
- Javidi, M. (2015). Criticism of positivism of modern humanities (with emphasis on criminology). Conference of Ahl al -Bayt (PBUH) and Production of Science - 2015: pp 100-72. [In Persian]
- Kamali, H. (2022). The Massification of Higher Education and the Challenge of Vacant Seats in Iran: A Phenomenological Study. Journal of Science & Technology Policy, 15(1), pp 23-36. [In Persian]
- Kang, Yankun & Liu, Ruiming. (2021) Does the merger of universities promote their scientific research performance? Evidence from China, Research Policy, Elsevier, vol. 50(1).
- Kazemi, A., and Fotouhi, S. The Enrollment of Humanities Student Admission to Iranian Higher Education (since the victory of the Islamic Revolution to date). Journal of Cultural Studies and Communication. Volume 17, No. 62. 1400: pp 221-246. [In Persian]
- Keshavarzi, A., Safari, S., & Askari, M. (1396). Proposing a Pattern for Using Accelerating Factors, and Barriers to Formation of Entrepreneurial University in Iran. Journal of Strategic Management Studies, 8 (29), pp163-178. [In Persian]
- Khaki, G.N & Bhat, Mohd. (2015). Pahlavi's the Pioneers of Education in Iran: A Study of Reza Shah.
- Khalkhali, S. M., & Taghdiri, S. Introduction to Dar al -Fonoon's and Amir Kabir's actions by narrating the historical sources and documents available in the Majlis Library, Baharestan Message/2/S 5/18 Winter 2012. [In Persian]
- Lamanauska, V., & Augienè, D. Development of Scientific Research Activity in University: A Position of the Experts. Procedia - Social and Behavioral Science. Volume 167, 8 January 2015, pp 131-140.
- Lashkari, M. (2007). Women, the country's higher education system and employment. Peak Noor- Humanities, Volume 5, No. 1 (Special Social Sciences): 123-134. [In Persian]
- Mabade, A. and Mapangwana, N. "Moving from General Knowledge to Specific Knowledge in a Democratic Culture": A Case Study Approach. Open Journal of Social Sciences, 10, 298-313.
- Macdonald, M. Gringart, E., Garvey, D & Hayward, K. (2022). Broadening academia": an epistemic shift towards relationality, Higher Education Research & Development.
- Madhoshi, M., & Niazi, E. Investigating and explaining the position of Iranian higher education in the world. Iran Magazine Higher Education. Spring 2010, Volume 2, No. 4, pp 147-111. [In Persian]
- Mansouri, R. (1999) Iran 1427; National determination for scientific and cultural development, Tehran, Tahano. [In Persian]
- Maxwell, N. (2007). From Knowledge to Wisdom: A Revolution for Science and the Humanities (Second Edition). London: Pentire Press.
- MOk, K. H., & Marginson, S. (2021). Massification, diversification and internationalisation of higher education in China: Critical reflections of developments in the last two decades. International Journal of Educational Development, 84, [102405]. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2021.102405>
- Montazer, Gh., Kalantari, S. Reflection on the events of Science and Technology in Iran over the last 220 years (before the Islamic Revolution and afterwards), Journal of Islamic Revolution Research, Year 8, Fall, 2018, No. 3: pp 179-154. [In Persian]
- Naderi, A. (2014). Education Finance, Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Nevo.Y. The Ethics of Academic Institutions. The Journal of the World Universities Forum, 2008. cris.bgu.ac.il.
- Nietzsche, F. Daybreak: Thoughts on the Prejudices of Morality; Hollingdale, R.J., Translator; Cambridge University Press: Cambridge, UK, 2005.
- Norouzi Chakoli, A. (2013). Familiarity with Science (Foundations, Concepts, Relations and Roots). Tehran: Shahed University Press. [In Persian]
- Polak, Jakob (1989). Travelogue, Translated by Kikavus Jahandari, Tehran, Kharazmi. [In Persian]
- Qasemi Pouya., A. (1998). New Schools in the Qajar period, Banjan and Pishvan, Tehran: University Center. [In Persian]
- Ramli, A., Zain.R. (2018). The impact of facilities on students' academic achievement. Sci. Int (Lahore),30(2),299-311.2018. ISSN 1013-5316; CODEN: SINTE 8 299 March-April.
- Rashidi, Zahra. (2020). A Reflection on the Policy of University Downsizing: a leading or discyring strategy? Social Cultural Strategy, 9 (2). pp 25-50. [In Persian]
- Sadeghifasai, S., Erfanmanesh, I. The methodological basics of the Cognitive Research in the Social Sciences; Case Study: The Impact of Modernization on Iranian Family, Journal of Culture Strategy, Year 8, Spring 2016, No. 25: pp 91-61. [In Persian]
- Sarkararani, M. (2002). Internationalization of Higher Education, Challenges, Strategies, Policies and Programs. Political-Economic Information Information Conditions, No.183 and 184, December 2002. pp197-184. [In Persian]

- Sarokhani, Bagher (2004). Research Methods in Social Sciences, Print 7, Volume 1, Tehran, Publishing: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]  
Shammary, Saud & Zrieq, Rafat & Ibrahim, Usama & Altamimi, Ahmed & Diab, Hanan & m. abd elsalam, Usama.(2021). On the Celebration of the International Day of Women and Girls in Science: Assessment of the Factors Mediating Women's Empowerment in Scientific Research in Saudi Arabia. Sustainability. 13. 15. 10.3390/su13042385.
- Snellman, Lilian. University in Knowledge Society: Role and Challenges. Journal of System and Management Sciences Vol. 5 (2015) No. 4, pp 84-113
- Thranian, Majid. Higher Education in Iran, Research Letter, Vol. 2, No. 3, 1357: pp 69-45. [In Persian]
- Toreyfi Hosseini·hamid. (2006) a comparative – Analytic student of the historical course of high education in Iran with Emphasize to the Social, Political, and Cultural Changes in the three qajar, Pahlavi, and Islamic Eras.tehran: the center for strategic students. of the supreme council of the cultural revolution. [In Persian]
- Zaeri, Q.; Mohammadaliizadeh., H. Cultural Revolution Event in Universities; On the basis of critical alignment of the macro-cultural trends of the pre-revolutionary period of the Islamic Revolution, the Journal of Culture Strategy, (10), Spring 1396, No. 37: pp 50-7. [In Persian]
- Zakar Salehi, Gholamreza (2017) Iranian University and Identity-Functional Conflict: In Search of the Lost Pattern. Research the Principles of Education, 7 (1):pp 43-27.
- Zenokhi, M (2002) Review of the University and Higher Education in Iran, relying on the era of Reza Shah Pahlavi, Journal of History Research, Fourth Year, No. 12 and 13: pp 124-159. [In Persian]
- Zhou, D. The Research on the Functions of Universities in an Innovation Cluster and the Realization Mechanisms. Open Journal of Business and Management, Vol.5 No.1. 2017. pp 63-72.

## Promoters and Inhibitors Iranian University in Contemporary period

Azizallah Ahmadi<sup>1</sup>  
Seyyed Mansour Marashi<sup>2</sup>  
Masoud Safaei Moghaddam<sup>3</sup>  
Yadollah Mehralizadeh<sup>4</sup>

### Abstract

**Objective:** The aim is to Identification of Promoters and Inhibitors Iranian University and to know the structural and contextual reasons for its realization or non-realization in the historical periods of "Qajar", "Pahlavi (first and second)" and "Islamic Revolution".

**Methodology:** In terms of research tradition, this research is qualitative, and in terms of purpose, it is practical, and in terms of its nature it is a documentary study based on historical studies.

**Findings:** The results showed that the most important promoters and inhibitors are as follows. In the "Qajar period", the promoters include the presence of foreign professors, encountering European nations, the publication of newspapers, and the translation of scientific-literary texts, and the inhibitors include courtship, technocracy, and mono-institutionalism. In the "first Pahlavi period", the promoters are the elitist approach and sending students abroad, and the inhibitors are the inattention to the creation of wisdom in the scientific community, the dominance of the positivist point of view, and insufficient facilities for scientific endeavors. In the "second Pahlavi period", the promoters include the exchange of knowledge with domestic and foreign universities and efforts in university building, and the inhibitors include the inconsistency of quantitative-qualitative expansion and the predominance of the Napoleonic model on the university structure. In the "period of the Islamic Revolution", the promoters include participation in domestic and international rankings, the widespread presence of women, internationalization, a thorough knowledge of the historical course and the rich history of knowledge, and the inhibitors include traditional development, essayism, and massification.

**Conclusion:** The idea of a pioneer university in knowledge, by changing the existing rules, patterns, structures and norms of knowledge, can adapt the university and university practice in Iran to new examples in this field. In such a way that in addition to aligning with the needs of the knowledge-oriented society, it will manifest the role of liberation with a new identity. The requirements for the realization of this idea are dependent on the precise knowledge of the promoters and inhibitors, which realized the necessity of its construction in contemporary Iran with justified historical-scientific explanations.

**Keywords:** university, promoters, inhibitors, Iranian University

\*This article is taken from the doctoral dissertation (Date of Approval of Proposal (2020/3/30) First Author of the Philosophy of Education entitled "Contemporary Iran and the University" Contemporary Iran and University Pioneer in Knowledge: Promoters and Deterrents (Emphasizing the Qajar, Pahlavi (I-II) and Islamic Revolution Periods)"With the guidance professor, Dr. Seyyed Mansour Marashi and Dr. Masoud Safaei Moghaddam and Professor of Dr. Yadollah Mehr Alizadeh in the School of Education and Psychology of Shahid Chamran University of Ahvaz.

<sup>1</sup> - Ph.D. student Philosophy of Education, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (mahdiahmadi35@yahoo.com)

<sup>2</sup> - (Corresponding Author). Associate Professor Philosophy of Education, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Marashi\_s@scu.ac.ir)

<sup>3</sup> - Professor Philosophy of Education , Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (safaeim@scu.ac.ir)

<sup>4</sup> - Professor of Management and Planning , Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (mehralizadeh\_y@scu.ac.ir)